

بسیاری از سالن‌های قدیمی به لحاظ بافت جغرافیایی شرایط مساعدی ندارند

۲۰ سینما در خواست تعطیلی دارند!



این مسئله بررسی شوند.

در بین این سینماها، «عصر جدید» یکی از سینماهایی است که طبق گفته محمداقصاد اشرفی – رییس انجمن سینماداران – که عضو کمیته مربوط به این موضوع در سازمان سینمایی نیز است، درخواست انحلال داشته و با اشرفی به ایسنا می‌گوید: برای تغییر کاربری باید ابتدا تفاهمی صورت بگیرد که قرار است به جای آن سینما چه چیزی احداث شود و معمولاً سینمادار براساس موقعیت مکانی برای کاربری تجاری یا اداری تصمیم می‌گیرد، اما

حسن ناهید:

۶۰ سال با شهیدی دوست بودم و یک بار ندیدم عصبانی شود

عام موسیقی دوست قابل درک باشد، بیان کنم. خوشبختانه این مقاله به دست شخص ایشان رسید و آن را خواندند. در حالی که اصلاً انتظار نداشتم، با بنده تماس گرفتند و فرمودند: «جملاتی که دوست داشتم درباره من از زبان دیگران بیان شود را گفتید.» این اتفاق، هنوز هم یکی از مهم‌ترین اتفاقات زندگی من است. همین تشویق باعث شد که نگاه عمیق‌تری به زندگی ایشان داشته باشم و به دنبال پاسخ این پرسش بروم که چرا استاد عبدالوهاب شهیدی محبوب است؟ وی ادامه داد: به صورت تفکیکی،

سه بخش را درباره زندگی ایشان می‌دانم؛ اول، «شهیدی خواننده»، دیگری «شهیدی عودنواز» و بخش سومی هم وجود دارد که کم‌کم در حال فراموشی است و آنهم «شهیدی شاعر» است. دفتر شعر ایشان بیش از ۱۸۰ صفحه و شامل اشعار بعد از مهاجرت اجباری ایشان به غرب است. در حقیقت، این اشعار وصف حال او و بر از ایماهای شاعرانه است.

این پژوهشگر عرصه موسیقی با اشاره به ابعاد مختلف شعرهای عبدالوهاب شهیدی گفت: بنده معتقدم که در این دفتر شعر، استاد شهیدی، متفاوت با تعریفی است که ما از شاعر داریم؛ چرا که اشعار او چیزی در بین شعر کلاسیک و ترانه قرار می‌گیرد. در حقیقت این اشعار قابلیت

اندی، جان شیرین را به پیشگاه باری‌عالی برده و صحنه ممتاز هنرمندی را ترک گفتند در مثنوی داستان ما نیز تاخیرها شدا خب کرونا بود و سرانجام، این زندگی بود که بر آن فائق آمد که بشر احسن‌الخالقین است و بر هر مشکلی تواند که فائق آید.

این دو سال و اندی که در دو دوره متفاوت مدیریتی از سر ما گذشت، پیرمان کرد. شگفتا که این فراق‌ها و رفتن‌ها و پیوستن‌ها به اصل روشن خورشید هم، دیگر در آن‌هایی که باید، انثری نمی‌گذارد و دوره و مدیریت این و آن هم نمی‌شناسد! آیا بر دل‌ها مهر است؟ نه که «خوبی» نیست، هست و زمین بی‌حجت نمی‌ماند. ما با چراغ هم گشتیم، «خوب بودن» در این روزگار سکه نایاب بازار است انگار! بساری! ما کار خودسان را می‌کنیم که دو صد گفته نیم کردار هم نیست. آن‌هایی که مسئول‌اند، مسئول‌اند حتی اگر از اهل قلم و اهل هنر روی برگرداندند و بدانند که از دایره فضاهای تاریخی در امان نخواهند بود و کاش تا وقتی که فرصت هست، دل شکست‌بالان و دردمندان و دل‌سوزان این عرصه را به‌دست آورند. باید که جبران کنند این‌همه کاستی و این‌همه نابلدی‌ها را.

«چهاردهمین جشن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران به نقطه آغازی دیگر- دوره پانزدهم- متصل، و دوره چهاردهم هم به سرانجام رسید. خیلی‌ها در این دو سال و

باشد یا خیر، مثلاً بخاطر ارائه خدمات رفاهی باید عوارض و مالیات سینما حذف شود در صورتی که سال‌های سال است ما به عنوان سینمادار سوسید می‌دهیم و حالا وقت آن است که دولت حمایت کند تا سینمادار رغبتی به تغییر کاربری یا انحلال نداشته باشد. البته تاکید می‌کنم که وزارت ارشاد به تنهایی از پس حمایت سینما برنمی‌آید.

وی یادآور شد: ما در این سال‌ها فقط با علاقه توانستیم سینماها را حفظ کنیم و تا جایی که ممکن بود برای سرپا نگه داشتن آن‌ها تلاش کردیم اما هزینه‌ها واقعا سرسام‌آور است و نمی‌توان اینطور ادامه داد.

سال گذشته وقتی خبر تعطیلی دائمی سینما عصر جدید جدی شده بود، انتقادهایی به این اتفاق و حتی به مالکان سینما که هر دو تهیه‌کننده هستند (عبدالله علیخانی و محمدحسین فرحبخش) وارد شد و فرحبخش در واکنشی تند به ایسنا گفت: همه کسانی که از نوستالژی این سینما صحبت می‌کنند دروغ می‌گویند چون اگر اینطور بود در این سال‌ها می‌امدند و در عصر جدید فیلم می‌دیدند.

برخی دیگر از سینمادارها معتقدند به هر حال هر چیزی

حتی اگر یک خاطره جمعی باشد، دوره‌ای دارد و اصرار به

حفظ آن به هر قیمتی منطقی نیست.

در سال ۱۳۹۹ خبر صدور حکم تخریب سینما ایران در لاله‌زار هم منتشر شد و سینما «بولوار» در بولوار کشاورز هم که زمانی یکی از سینماهای مدرن تهران بود تغییر کاربری پیدا کرد و به مرکز همایش‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران تبدیل شد. در کنار این‌ها باید به سینماهایی اشاره کرد که سال‌هاست تعطیل هستند و به مخروبه تبدیل شده‌اند و صاحبان خیلی از آن‌ها نیز درصدد تخریب و تغییر کاربری هستند



گره‌بش گرفت و بسیار ناراحت شد.

اجرای گروه عנדلیب به سرپرستی شاهو عנדلیبی و آواز مهدی جهاندار بخش دیگری از این برنامه بود. هم‌چنین مجید ناظم‌پور به عودنوازی پرداخت.

ناظم‌پور قبل از عودنوازی خود در سخنانی

کوتاه بیان کرد: استاد شهیدی عودنوازی در ایران را به معنای واقعی آن متحول کرد. دلیل ندیدم که او عصایی شود. خاطرم هست که در خدمت ایشان به عیادت استاد هوشنگ ظریف رفته بودیم- او که جوان بسیار خوش‌تیپ و خوش‌هیكلی بود، بر اثر بیماری بسیار ضعیف و لاغر شده بود و حتی ما دو نفر را اصلاً نشناخت. وقتی عبدالوهاب شهیدی این صحنه را دید،

فیلم نیکي کریمی جوایز اصلی جشن منتقدان را گرفت

اقتصادی و روحی و بیکاری سینماگران و وضعیت معیشتی سخت و جانفرسا، مراسمی بگیریم و چون سابق؛ در کنار هم؛ صحنه هنرمندی و جشن بیافرینیم، اما کوشیدیم در بضاعت و ثروت معنوی اعضای این انجمن، قدرشناس بخشی از «خوب بودن»‌ها در این صنف و این روزگار باشیم. که نظامی بزرگ **سروده:**

گر هنری در تن مردم بود
چون نپسندی گه‌ری گم بود
گر بپسندیش دگر سان شود
چشمه آن آب دو چندان شود
گلایه‌ها داریم و سخن نیز بسیار،
رنجیدگی و وصف حال این سینمایی که گاه غصه‌ای می‌شود بر دل‌ها و… و اما به اشارتی گفتیم و می‌گذریم…

امروز دو چشم را خندان خواهیم و دل‌ها را امیدوار به سوسوی چراغ سینمای ایران. امیدواریم چشمه آب این سینما دو چندان شود. آرزو می‌کنیم این انتخاب‌ها به حقیقت

و ارزش‌های هنر واقعی نزدیک باشد و بدانید که فاصله بعضی از نامزدها و انتخاب‌های نهایی فقط چند رای ساده بوده است. ما در این و بر این جشن می‌افزائیم، کم نمی‌کنیم و می‌کوشیم به فاصله نفر بعدی، خوبی و ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناسی را تعمیم دهیم.

به امید توفیق بیش از پیش سینمایی



اسموژینسکا» کارگردان لهستانی که امسال با فیلم «دوقلوهای ساکت» درباره دوقلوهایی از تنها خانواده سیاهپوست در شهر کوچکی در ولز در بخش نوعی نگاه حضور دارد و «لی جونگ جانسه» بازیگر کره‌ای که با سریال معروف «بازی مرکب» به شهرت جهانی رسید

فرهنگی

نگاه

به بهانه برگزاری نمایشگاه کتاب تهران جای خالی کتاب بر پرده سینما

مهرداد دانش

معمولاً با برقراری نمایشگاه کتاب تهران در اردیبهشت‌ماه هر سال، یکی از موضوعاتی که سینمایی‌نویس‌ها دنبال می‌کنند، ماجرای ارتباط کتاب و سینما است؛

این ارتباط هم هم عمدتاً در دو محور جلوه دارد: نخست این که کم و کیف کتاب‌های با موضوع سینما اعم از فیلمنامه و پژوهش و گفت‌وگو و تاریخ و بحث‌های فنی از چه قرار است و دوم آن که اقتباس ادبی در سینما به کجا رسیده است و چه مواعی دارد و از این قبیل. این محورها البته مهم هستند و می‌توان هر بار به به میان کشیدن‌شان، نکته‌های جدیدی را به حوزه تأمل و تحلیل درآورد. اما آن چه در این یادداشت قصد طرحش است، نکته دیگری در ارتباط با موضوع کتاب و سینما است.

شما در سینمای ایران چند شخصیت را به یاد می‌آورید که به شکل جدی با عنصر «کتاب» سروکار داشته‌اند؟ افرادی مانند نویسنده، مترجم، ویراستار، ناشر، کارکنان آژانس‌های ادبی، کتابدار کتابخانه، خواننده پیگیر، کتابفروش و مانند آن؟ خودم به عنوان یک منتقد سینما که به هر حال و به اقتضای دل‌مشغولی‌ام، نسبت نزدیکی با سینما دارم، به دشواری چیزهایی را به یاد می‌آورم. یکی فیلم دوردست (رامین محسنی، ۱۳۸۶) که با عنصر کتاب و ادب و هنر درام خود را پیش می‌برد و البته که بنا به نوع اکران و ساختار اثر، کمتر دیده شده است. دیگر، هامون (داریوش مهرجویی، ۱۳۶۸) که سکانس معروف کتابفروشی‌اش زبانزد است. شاید به این فهرست بتوان فروشده (صغر فرهادی، ۱۳۹۴) را افزود که مطالعه کتاب غلامحسین ساعدی در کلاس درس و نیز اهدای کتاب‌های معلم به کتابخانه مدرسه را طرح می‌کند. فیلم گرداب (حسن هدایت، ۱۳۸۶) هم که یکی از بخش‌هایش درباره صادق هدایت است (با بازی بهروز شعیبی) اثر دیگر است. به همین می‌توان شب‌های روشن (فرزاد موتمن، ۱۳۸۱) را هم اضافه کرد. شاید بتوان با گشت و گذار در بایگانی ذهن، به عناوین دیگری هم رسید، اما نگفته پیدا است که سینمای ایران در پرداختن به آدم‌ها یا حرفه‌هایی که با مقوله کتاب سر و کار دارند، وضعیت بسیار نحیف دارد.

اما چنین اوضاعی در سینمای جهان کاملاً برعکس است. در بسیاری از این فیلم‌ها، جدا از ماجرای اقتباس ادبی که یک روال گسترده و جاقفاده و شاخص به حساب می‌آید، بسیاری از شخصیت‌ها هم در داستان‌هایی بسیار گیرا و موقعیت‌هایی جذاب، با عنصر کتاب رابطه‌ای محوری دارند. در فرانهایت ۴۵۱ (فرانسوا تروفو، ۱۹۶۶) با اقتباس از داستان معروف ری بردبری، مقاومت علیه کتابسوزی در جامعه‌ای مسخ‌شده روایت می‌شود. در میزری (راب رینر، ۱۹۹۰) ابراز تمایل غرب و ویرانگر یک مشتاق به نویسنده کتاب‌های مورد علاقه‌اش فضایی پردلهر می‌آفریند. در عجیبت‌ر از داستان (مارک فورستر، ۲۰۰۶) شخصیت یک داستان به ملاقات نویسنده داستان می‌رود و از اوضاعی که نویسنده برایش درست کرده شکایت می‌کند؛ در سایه‌نویس (رومن پولانسکی، ۲۰۱۰) یک نویسنده در جریان کتاب نوشتن از خطرات یک دولتمرد، دچار دردسرهایی بفرج می‌شود که مخاطرات جانی برایش به همراه دارد. در کتاب‌خوان (استیون دالدری، ۲۰۰۸) التهاب‌های دوران بلوغ نوجوانی با خوندن مداوم کتاب قرین می‌شود و در کتابدزد (براین پرسبیول، ۲۰۱۳) ماجرای علاقه مفرط یک دختر نوجوان به کتابخوانی در دوران کتابسوزی نازی‌های آلمان هیتلری روایت می‌شود. در سال سالیانجر من (فیلیپه فالادیو، ۲۰۲۰) اشتغال یک دختر جوان در آژانس ادبی برای پاسخگویی به نامه‌های مشتاقان سالیانجر، داستان را شکل می‌دهد. در هرگز نمی‌توانی مرا ببخشی (مریل هلر، ۲۰۱۹) زنی ویراستار که از محل کارش اخراج شده است، به جعل نامه‌های نویسندگان معروف و فروش آن‌ها مشغول می‌شود و … این‌ها که فهرست شد، مشتی بسیار خرد از خوراری بسیار حجیم است و این البته جدا از آن فیلم‌هایی است که اختصام درباره نویسندگان بزرگ دنیا همچون تولستوی، شکسپیر، برادران گریم، سیلوای پلات، مری شلی، جین آستین، دیوید سالیانجر، کاپوتی، هنری میلر، تالکین، ویرجیا وولف، پی. ال. تراورس، سیدونی گابریل کولت، مارکی دو ساد، آرنست همینگوی و… ساخته شده است.

کتاب و محورهای مرتبط با آن در فرهنگ و تاریخ و جامعه ایران جایگاهی پررنگ دارند. این که چرا سینمای ایران از این فضا که فی نفسه مستعد صدها ایده و

روایت‌پردازی و شخصیت‌پردازی و موقعیت‌نویسی و فضاسازی و داستان‌گویی است، بهره نمی‌برد و در جنبه‌هایی عمدتاً تکراری و کلیشاهی خود را محصور ساخته است، پرسشی قابل تأمل است. واقعا چرا؟

منبع: خبر آنلاین

اخبار کوتاه

تجربه هیجان انگیز رضا داودنژاد در کنار فریماه فرجامی پس از ۳۷ سال

رضا داودنژاد همبازی شدن مجددش با فریماه فرجامی پس از ۳۷ سال در فیلم «لامینور» ساخته داریوش مهرجویی را هیجان‌انگیز دانست. به گزارش ایسنا، این بازیگر می‌گوید: «پس از ۳۷ سال از ساخت فیلم «بی‌پناه» ساخته پدرم علیرضا داودنژاد با خانم فرجامی دوباره

همبازی شدم و این همکاری مرا بر د به پنج سالگی‌ام. یادم می‌آید روزهایی که با فریماه فرجامی همبازی بودم روزهای خاصی بود، چون ایشان به شدت مورد علاقه مردم بودند و حضورشان باعث ازدحام جمعیت می‌شد. ما در شمال کشور فیلمبرداری می‌کردیم و همیشه سسر صحنه مأموران کمیته و سیپج سر صحنه برای همکاری حاضر می‌شدند تا جلوی ازدحام طرفداران ایشان را بگیرند. جمعیت را کنترل می‌کردند تا خانم فرجامی سسر صحنه بیایند. من این خاطرات را خیلی محو در ذهن دارم.» در «لامینور» علی نصیریان، پردیس احمدیه، سیامک انصاری، بیتا فرهی، علی مصفا، مهرداد صدیقیان، بهناز جعفری، کاوه آفاق، امراالله صابری، رضا داودنژاد، دیبا زاهدی، سیامک ادیب، محمدرضا شهبانئ نوری، شراره رنجبر، محمد جواد جعفرپور، مهرنوش بولفالقاری، محمد هادی عطایی، مهدی مرتضایی، یاسمن کوزه‌گر، هومن بهزادی، شیدا مودب، فلان وارسته، سیبان خسروی، احمد یابوری، فرهاد ریش سفیدی و علی بلوردی ایفای نقش کرده‌اند.

بازیگر «فرار از آلتکارتاز» درگذشت



فرد وارد، بازیگر کهنه کار سینما و تلویزیون که بیشتر به خاطر ایفای نقش های خشن در فیلم‌هایی چون «لرزش» و «فرار از آلتکارتاز» شهرت داشت، در ۷۹ سالگی درگذشت. به

سال خدمت در نیروی هوایی آمریکا

در دهه ۱۹۶۰ و سپس کار به عنوان

چوب بر در آلaska، بوکسوری که بینی‌اش سه بار شکسته شد و یک آشنیز،

وارد حرفه بازیگری شد.

فعالیت حرفه ای او بیش از چهار دهه را شامل می‌شد که با حضور در فیلم

های خارجی در اوایل دهه ۱۹۷۰ شروع شد و تا سال ۲۰۱۵ با آخرین نقش

او در مجموعه تلویزیونی «کاراکاه حقیقی» ادامه یافت. اولین حضور «فرد

وارد» در یک فیلم آمریکایی با بازی در نقش یک گاوچران در فیلم «قلب

غرب» در سال ۱۹۷۵ رقم خورد اما نقش موفقیت آمیز او زمانی رخ داد که در

سال ۱۹۷۹ در فیلم «فرار از آلتکارتاز» در مقابل «کلینت ایستوود» بازی کرد.

او در طول فعالیت حرفه‌ای خود در نقش‌های متنوعی از یک فضانورد، یک

گاوچران، یک سرباز جنگ ویتنام، یک کاراکاه پلیس که به قاتل تبدیل شده

تا قهرمانی که با کرم‌های غول پیکر مبارزه می‌کند، بازی کرده است. «وارد»

در سال ۱۹۸۳ در نقش فضانورد مرکوری ۷ در اقتباسی از کتاب نوشته

«تام وولف» با عنوان «هران واقعی» بازی کرد در همان سال در فیلم اکشن

«شجاعی غیرمعمول» با «جین هکمن» و در درام «سیلیکود» با «مریل

استریت» همبازی شد. او همچنین برای بازی در فیلم «برش‌های کوتاه»

ساخته «رابرت آلتمن» در سال ۱۹۹۳ موفق به کسب جایزه گلدن گلوب

و جایزه بهترین بازیگری (بهترین تیم بازیگری) از جشنواره فیلم ونیز شد.

«کودک دردرس‌ساز»، «۲۸ اسلحه»، «فیلمی بلوز» و «شاهزاده بنسلیوانیا» از

جمله دیگر فیلم‌ها با نقش آفرینی «فرد وارد» هستند.